**گزارش نشست «ترکیبات دوتایی برگشت­ناپذیر در زبان فارسی»**

دومین نشست گروه زبانشناسی دانشکده ادبیات و علوم انسانی در روز دوشنبه 29 مهرماه در محل اتاق 215 دانشکده با حضور جناب آقای دکتر بهروز محمودی بختیاری و جمعی از اساتید و دانشجویان گروه زبانشناسی برگزار شد. دکتر بختیاری در این نشست یکی از جدیدترین پژوهش­های خود را در حوزۀ ساختواژۀ زبان فارسی را ارائه نمود. موضوع بحث ایشان در بارۀ ترکیبات عطفی واگشت­ناپذیر بود. از این ترکیبات در متون با نام­ها­ی ترکیبات عطفی دوتایی و ترکیبات مزجی (در فرهنگ لغت برهان قاطع) در زبان فارسی نام برده شده است و در جای دیگر ترکیبات عطفی قوی و ضعیف. دکتر بختیاری این ترکیبات را چنین تعریف کردند: «ترکیبات عطفی وا­­­­­­­­­­­گشت­ناپذیر، ترکیباتی هستند که طبق قاعده­ایی به وسیلۀ حروف ربط (معمولاً«و») به هم متصل می­شوند و اجزاء ترکیب قابل جابجایی نیستند. (مانند کارد و پنیر، جست ­و خیز و شل‏و‏ول). ایشان تأ­کید داشتندکه معرفی این پدیده اصلاً جدید نیست اما تا­کنون طبقه­بندی این ترکیبات بر اساس یک پیکرۀ بزرگ فارسی انجام نشده است. پیکرۀ پژوهش­های دکتر بختیاری فرهنگ دو جلدی سخن بوده است. بر اساس توضیحات ایشان اولین بار مالکین(Malkielin) در سال 1959 واژۀIrreversible binominals را برای این ترکیبات به کار برد. بعد از او جان رابرت راس در سال 1976 این ترکیبات را Freeze نامید. آخرین مقاله در بارۀ این ترکیبات مقالۀ A Probablistic Analysis of English Binominals است که در مجلۀLanguage درسال 2006 به چاپ رسیده و در تمام این موارد تأکید شده است که جا­به­جایی این ترکیبات امکان­پذیر نیست. دکتر بختیاری درباره علت اطلاق نام برگشت‏ناپذیر توضیح دادند که:

مثلاً کاربرد کارد­ و پنیر به صورت پنیر­وکارد یا کفن­ودفن به صورت دفن­­وکفن ممکن نیست. ایشان اضافه کرد: در این مقاله استدلال شده است که «و» در این ترکیبات کاربرد دستوری ندارد و حضور آن صرفاً حضوری اکوستیک ا­ست. حضوری که برای کنار هم نشاندن این کلمات به کار می­رود. دکتر بختیاری بعد از ارائۀ مرور پیشینه و توضیحا­تی در باره نظریه­های مطرح در این خصوص، سوال اصلی پژوهش را هم بیان نمود: چه قوانین واجی، ساختواژی، معنایی و یا کاربردی بر ساخت این ترکیبات حاکم است و کدام یک از این قوانین اهمیت بیشتری دارد؟ تا به حال توجیهات واج­شناختی در این زمینه بیشتر از سایر حوزه­ها است. افرادی چون آبراهام­ (Abraham) (1950) و کرک (Qurik) و همکارانش (1985) سعی کرده­اند با استفاده از قانون طلائی پا­نی­نی این مطلب را روشن سازند. آبراهام در این خصوص استدلال­های معنایی هم ارائه داده است اما بخشی از داده­های زبان فارسی به طور کامل در چارچوب الگوهای ارائه شده نمی­گنجد. بنابراین به نظر می­رسد که مطالعۀ داده­های فارسی در این زمینه الگوهای ارائه شده را تکمیل می­کند. دکتر بختیاری طبقه­بندی دوباره انواع ترکیبات دوتایی برگشت­ناپذیر را به شرح زیر ارائه نمودند:

1) دو کلمۀ معنادار و مرتبط با هم

* متضا­د­هایی مثل بالا و پایین
* هم معنا­ها
* کلمات جداگانه مثل شرم و حیا
* ریشه­های فعلی از یک فعل مثل جنب­و­جوش
* تکرار یک کلمه مثل کشت ­و ­کشتا­ر

2) کلمات معنادار و نامرتبط با هم

* تأکید بر معنای یک کلمه مثل گم و گور
* معنایی جدا از کلمات ترکیب مثل کا­سه­کوزه

3) یک کلمه با معنا و یک کلمه بی­معنا

* کلمۀ معنا­دار اول می‏آید مثل بو و برنگ
* کلمۀ معنا­دار دوم می‏آید مثل جر و بحث

4)هر دو کلمه بی­معنا باشند مثل آس و پاس

سخنران تأکید نمود که این پژوهش بیشتر نگاهی ساخت­محور و معنا­شناسانه به موضوع دارد. ایشان به تفاوت ترکیبات دوتایی برگشت­ناپذیر و اتباع پرداختند و در این خصوص به مقالۀ خودشان در مجلۀ دانشگاه تربیت مدرس با عنوان «مقولۀ اتباع در لغت­نامۀ دهخدا: یک بررسی مجد­د» اشاره نمودند. در پایان اساتید و دانشجویان حاضر در جلسه پرسش‏هایی را مطرح نمودند.

تهیه­کنندگان: مهدیه آردین